

متن پرسش

سلام: آیا شهریار یک شاعر مقید به احکام شرعی بوده است یا یک فرد لابلایی؟ یا معمولی؟ در یک کتاب که خاطراتی از ایشان نقل شده بود ظاهراً توسط آقای نیک اندیش که همواره همراه ایشان بوده است) مکرر مطالبی آورده که ما متوجه می شویم که شهریار اصول اخلاقی و شرعی را چندان رعایت نمی کرده. مثلاً او شوق دیدار یک زن آوازه خوان به نام قمرالملوک را داشته و وقتی او می میرد ناراحت می شود و در وصف او شعر گفته است و آن زن او را بوسیده است. شهریار دست دختری را می بوسد. شهریار به معشوقه پیشینش که فرزند هم داشته سر زده است. و از حسرت نرسیدن به هم برای هم نامه خاطرات گذشته را نوشته اند. شهریار به خانه یک ارمنی باده فروش رفته. شهریار انگار هر دختری را میدیده عاشقش می شده. آیا او مقید به مذهب نبوده؟ یا مذهبی که ما داریم سخت گرفته ایم که این چیزها برایمان بد است؟ ما فقط یک تصویر از او در ذهن داریم و آن هم شعر علی ای همای رحمت است. قضیه چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که حداقل باید زندگانی مرحوم شهریار را به دو مرحله تقسیم کرد: مرحله‌ای قبل از انقلاب اسلامی که در فضای روشنفکری به سر می‌برد با خصوصیتی که آن فضا دارد و در عین حال، یک شاعر هنرمندی است که ریشه‌های معنوی و معناگرایی در شعر او چشم‌گیر است. و مرحله‌ی بعد از انقلاب او که از فضای روشنفکری فاصله گرفته و به اردوگاه متعهدین نسبت به انقلاب اسلامی پیوسته در عین طعنی که از طرف روشنفکران به او زده می‌شد. شهریار دوره‌ی اول، شاعر عاشق‌پیشه‌ای است که به هر حال، روح زیباگرایی او بعضاً عنان او را از او می‌زباید. در این رابطه شاید بتوان علاقه به صدای آن خانم را توصیه کرد، وگرنه در کل، اشعار او حکایت از آن دارد که به افق‌های بس متعالی نظر دارد. به گفته‌ی آیت الله محمدتقی جعفری شعر «حیدر بابا» انسان را از زمین می‌کند و به معراج می‌برد. در آخر از این موضوع هم نباید غفلت کرد کسی که حرکات و سکنات او را برای ما گزارش می‌کند، از نگاه معمولی خود می‌نگرد نه از نگاه شاعر و حالات شاعرانه‌ی او. شهریار، شاعری نیست که بتوان او را نادیده گرفت، و از حالات روحانی او که در آخر عمر به فوران آمده است برای زیست‌جهان خود استفاده نکرد. موفق باشید